

خاطرات بولیوی

چه گوارا

تحلیل (اقدامات و شرایط) ماه نوامبر ۱۹۶۶

همه چیز بخوبی برگزار شد: ورود من بدون حادثه بود. نیمی از افراد نیز بدون مزاحمت وارد شدند. اگر چه کمی تأخیر داشتند. همدستان ریکادو (Ricardo) خواهند جنگید تا چه پیش آید. دورنما در این نقطه دور افتاده که همه چیز در آن این طور بنظر می‌رسد که بتوانیم مادامی که ضروری می‌دانیم در آن باقی بمانیم، خوب جلوه می‌کند.

برنامه عبارت است از: انتظار برای ورود بقیه افراد با زیاد تعداد بولیوی‌ها تا حداقل بیست نفر و بعد شروع بعمل باید هنوز در انتظار واکنش مودخه (Konje) و اینکه افراد وابسته به مونیز گوارا (۲) (Moise Gurevara) چگونه رفتار خواهند کرد، بود.

تحلیل ماه دسامبر ۱۹۶۶

تکمیل تیم افراد کوبائی با موقعیت پایان یافت؛ روحیه افراد بسیار خوب است و تنها مسائل کوچکی را باید حل کرد. افراد بولیوی، اگر چه تعدادشان کم است، خوب اند. طرز تفکر مودخه می‌تواند از یکسو به کند کردن آهنگ توسعه کار ما و از سوی دیگر به آزاد ساختن من از قید سازش سیاسی کمک کند.

بغیر از انتظار برای ورود بقیه افراد بولیوی، قدم دیگر عبارت از مذاکره با مونیز گوارا، آرژانتینی‌ها، مائورپستو (Maurizio) و خوزامی (Jozani).

تحلیل ماه ژانویه ۱۹۶۷

همانگونه که انتظار می‌رفت، طرز فکر مودخه در آغاز پرهیز جویانه و سپس خیانت آمیز گشت.

این حزب (کمونیست بولیوی - مترجم) علیه ما دست به اسلحه برده است و من مطمئن نیستم که این امر به کجا خواهد انجامید. اما مانع کارها نخواهد بود و شاید در دید طولانی، امر مثبتی نیز بشود (من تقریباً مطمئن هستم) و رستگارترین و مبارزترین افرادشان به ما ملحق خواهند شد، حتی اگر مجبور شوند از بحرانی کم و بیش جنسی وجدانی گذر کنند.

واکنش مونیز گوارا تا کنون مثبت بوده است. باید دید او و افرادش در آینده چگونه رفتار خواهند کرد. ثانیاً (Tanie) (۳) (محل ما را) ترک گفته است ولی هنوز نه از وی و نه از آرژانتینی‌ها خبری نیست. مرحله مبارزه پارتیزانی اکنون آغاز می‌شود و ما گروه را به آزمایش می‌گذاریم. زمان دورنمای انقلاب روشن خواهد نمود. جذب رزمندگان بولیوی بدون گروه نسبت به سایر بخش‌های برنامه ما را از همه مشکل‌تر صورت گرفته است.

تحلیل ماه فوریه ۱۹۶۷

اکنون درباره اینکه در اردوگاه چه گذشته است خبر دارم، همه امور نسبتاً بر وفق مراد است، به استثناء چند مورد که می‌تواند در چنین حالاتی بسیار خطرناک باشد.

از خارج درباره دو نفری که قرار بود نزد ما بفرستند تا گروه تکمیل شود، خبری نرسیده است.

مرد فرانسوی باید اکنون در لاپاز باشد و همین روزها به اردوگاه خواهد رسید، از آرژانتینی‌ها و الچینو ElOnin خبر ندارم. پیغام از هر دو طرف بخوبی رد می‌شود. طرز برخورد حزب کمونیست هنوز دو رویانه و مردد است (حداقل) اگر چه هنوز نکته‌ای را که تعیین کننده خواهد بود در مذاکرات با هیئت نمایندگی جدید باید روشن نمود.

کوه پیمائی کاملاً خوب بود، مگر در مورد حادثه‌ای که به قیمت جان بنجامین (Benjamin) تمام شد. افراد هنوز ضعیف‌اند و همه افراد بولیوی نخواهند توانست داوم بیاورند. گرسنگی‌های چند روزه اخیر تضعیف شوق (عده‌ای را) نشان داده است که پس از اینکه (به دستجات) تقسیم شویم روشن‌تر خواهد گشت. دو نفر از کوبائی‌ها که تجربه کمی دارند، پاکو (Pacho) و ال رویو (E1 Rubio) هنوز واکنش مثبتی نشان نداده‌اند، اما الکساندر (Alejandro) بخوبی از عهده بر آمده است.

یکی از قدیمی‌ها، مارکوس (Marcos) مرتب موجب دردسر مرا فراهم می‌آورد و ردیکاردو (Ricardo) بهترین کوشش خود را مصروف نمی‌دارد. بقیه هنوز خواب‌اند. مرحله بعدی مرحله نبرد خواهد بود و لذا مطمئناً تعیین کننده.

تحلیل ماه مارس ۱۹۶۷

این ماه پر بار بود، اما دورنمای عمومی خصوصیات زیر را دارا است: مرحله تصفیه و تحکیم گروه پارتیزانی بخوبی طی شده است، مرحله بسیار کندی برای جذب برخی عناصر کوبائی که بد به نظر نمی‌رسد و افراد موئیز گوارا که ضعیف‌تر از حد لازم در آمدند، دوتارک (فراری) یک زندانی که زیر فشار پلیس دهان باز کرد، سه نفر اخراجی و دو نفر ضعیف.

مرحله آغاز نبرد که خصوصیات آن عبارت بود از حمله‌ای بسیار مشعشعانه و دقیق، اما پر از اقدامات غیر منصفانه و شل و ول که قبل و بعد از آن رخ داد (عقب نشینی مارکوس و عمل برآلیو Braulio)

مرحله آغاز حمله متقابل دشمن که وجه مشخصه آن تا کنون عبارت بوده است از:

الف گرایش به سوی استقرار کنترل‌هایی که موجب انزوای ما را فراهم آورد؛

ب- جنجال تبلیغاتی در سطح ملی و بی‌المللی.

ج - بی‌اثری کامل تا کنون؛

د - بسیج دهقانان؛

ظاهر با توجه به وجود چهار خیرچین احتمالی، باید راه پیمائی خود را زودتر از آنچه فکر کرده بودم، آغاز کنیم و گروه ذخیره را پشت سر گذاریم. وضعیت خوب نیست ولی مرحله دیگری از آغاز آزمایش برای گروه پارتیزانی آغاز می‌گردد که اگر افراد بتوانند از آن گذر کنند، برایشان بسیار مفید خواهد بود.

ترکیب گروه پیشرو: میگوئل (Miujel) فرمانده: بدینو، پاکو، لورو، آتی چیتو، کامپا، کوکو، داریو، جولینو، پابلو، رائئل.

گروه پس‌رو: فرمانده، خاکین، فرمانده دوم، برآلیو، رویو، مارکوس، پدرو، پزشکی، یولو، والتر، ویکتور، (بیه، پاکو، اوزیبو، کینلیو).

گروه میانه: خودم، الکساندر، رولاندو، اینتی، پومیو، توما، اوریاتو، مورو، نگرو، ریکاردو، آرتور، اورتاکیو، موئیز گوارا، ویلی، لوئیز، آنتونیو لئون، (تانیا، پلادو، دالتون، چینو، مهمان) (سراپیو، پناهنده).

تحلیل ماه آوریل ۱۹۶۷

اگر چه ما باید از بابت از دست رفتن دو فرد مهم، ال ریو و رولاندو متأسف باشیم، ولی این ماه شاهد حوادث عادی بود، مرگ رولاندو ضربه بزرگی است؛ زیرا من در نظر داشتم فرماندهی جبهه دوم را به او واگذار کنم. ما چهار عملیات دیگر انجام دادیم. همه آنها بطور عمومی نتایج مثبت داشتند و یکی بسیار خوب بود؛ همان محاصره‌ای که در آن آل رویو جان سپرد.

از طرف دیگر انزوای ما هنوز کامل است، امراض مختلفی بر سلامت برخی از رفقا لطمه وارد ساخته است و ما را ناچار ساخته است نیروهای خود را تقسیم کنیم و لذا اثر بخشی ما را تا حدی زیادی کاهش داده است.

ما هنوز نتوانسته ایم با خواکین **Juakin** تماس برقرار کنیم. پایه دهقانی ما هنوز انکشاف نیافته است؛ برنامه‌ای در جهت بوحشت انداختن سیستماتیک آنان خواهد توانست قالب شان را بی طرف سازد و سپس حمایت آنان جلب خواهد شد.

ما حتی یک نفر را هم حذب نکرده‌ایم و بغیر از آنان که کشته شده اند، **E1 Loro** ال الرو، را که پس از نبرد تاپریلاس (**Taperilas**) مفقود شده از دست داده‌ایم.

نکاتی که از نظر استراتژی نظامی باید مورد تاکید قرار گیرند:

(الف) کنترل دولتی‌ها تا کنون موثر واقع نشده و اگر مزاحم ما می‌شوند، هنوز این امکان برای ما هست که به این طرف و آن طرف برویم و این ناشی از عدم ترک و ضعف خود آنهاست. بعلاوه بعد از آخرین کمین ما علیه سگ‌ها و مربی‌شان، دولت‌ها قبل از ورود به مناطق جنگلی، دقت بیشتری خواهند کرد.

(ب) جنجال تبلیغاتی ادامه دارد، اما اکنون از دو جانب و بعد از انتشار مقاله من در هاوانا، دیگر کسی نمی‌تواند درباره حضور من در اینجا تردیدی داشته باشد.

مطمئن هستیم که امریکائیان شمال با قدرت زیاد در اینجا دخالت خواهند کرد. اعزام هلیکوپتر و بره سبزه‌ها آغاز شده، اگر چه ما هنوز آنها را در این حوالی ندیده‌ایم.

(ج) ارتش (یا حداقل یکی دو هنگ آن) توانستند از نظر فنی پیشرفت‌هایی بنمایند، ما را در تاپریلاس غافلگیر ساختند و در مزون **Leson** روحیه خود را نباختند.

(د) بسیج دهقانان (از جانب دشمن) هنوز صورت نگرفته، مگر بعنوان خبرچین که کمی مزاحم کار ماست، اما این خبرچین‌ها نه سرعتی در کار دارند و نه موثراند، ما می‌توانیم از عهده‌شان آئیم.

مقام چینو تغییر کرده است و تا تشکیل جبهه دوم و سوم در ردیف رزمندگان خواهد بود. دانتون و کارلوس قربانی شتاب برای عزیمت و تقریباً ناامیدی و ضعف من در ممانعت از آن شدند، و لذا ما ارتباط خود را با کوبا (**Daton**) از دست داده‌ایم و برنامه عمل مان در آرژانتین (**Carlo**) نقش بر آب شده است.

خلاصه: در این ماه با توجه به انکشاف معمولی یک جنگ پارتیزانی همه چیز بطور عادی تحول یافت. روحیه همه رزمندگان خوب است زیرا از اولین آزمایش خود بعنوان پارتیزان گذشته‌اند.

تحلیل ماه مه ۱۹۶۷

نکته منفی عبارت است از اینکه میسر نشده است با خواکین تماس برقرار سازیم، با اینکه در تپه‌ها گشت زیاد زده‌ایم – از علائم چنین بر نمی‌آید که به سمت شمال رفته باشد.

از نقطه نظر نظامی، سه نبرد جدید برای ارتش تلفات داشت و نه برای ما و همچنین پیشروی در پی ری رندا (**Pirirreda**) و کارا گوم تا راند (**Caragauatarenda**) به معنی موفقیت ماست. سگ‌ها بی اثر بوده‌اند و لذا از کار اخراج شان ساخته‌اند.

مهمترین خصوصیات (ماه) عبارتند از:

الف – بریدگی کامل در تماس با (**Lanila**) و لاپازو خواکین که تعداد ما را به 25 نفر گروه حاضر کاهش می‌دهد.

ب – شکست کامل در حذب دهقانان، اگر چه ترس‌شان از ما ریخته و ما توانسته‌ایم ستایش آنانرا برانگیزیم، این وظیفه‌ای است که با کندی و حوصله پیش می‌رود.

پ - از طریق کوله (Kolle) حزب (کمونیست) همکاری بدون قید و شرط خود را اعلام داشته است.

ت - جنرال درباره رژیس دبره (Debray) به جنبش ما حتی بیش از پیروزی در ده نبرد قدرت جنگی بخشیده است.

ج - گروه پارتیزانی به کسب روحیه‌ای نیرومند و مطمئن ادامه می‌دهد که اگر خوب اداره شود، موفقیت را تأمین خواهد نمود.

چ - ارتش دولتی هنوز منظم نیست و از نظر فنی بهبود نیافته است.

خبر ماه: زندانی شدن و فرار ال لور که اکنون باید به ما محلق شود یا برای تماس به لاپاز برود. ارتش اعلامیه ال درباره بازداشت دهقانی که در منطقه ماسیکوری (Massicuri) با ما همکاری کرده اند صادر نموده است.

اکنون آن مرحله رسیده که هر دو طرف fi روی دهقانان فشار وارد سازند، اگر چه بطرق مختلف، موقعیت ما در آنان T آن تغییر کیفی که تحول آنان نیاز دارد، موجب خواهد شد.

تحلیل ماه ژوئن ۱۹۶۷

نکات منفی عبارتند از: عدم امکان در تماس با خاکین و از دست دادن تدریجی افراد که هر کدام بمعنی یک شکست است، اگر چه ارتش بدان توجه ندارد.

در این ماه در دو کشمکش جنگیدیم، که بتوان به گزارش ارتش اعتماد کرد، آنان چهار کشته و سه مجروح دادند.

مهمترین ویژگی‌ها عبارتند از:

۱ - عدم تقریباً کامل تماس ادامه دارد که تعداد ما را به ۲۴ نفری که گروه ما را تشکیل می‌دهد کاهش می‌دهد؛ از میان آنان پامبو مجروح است و از تحرکات ما کاسته است.

۲ - کمبود ما در زمینه عدم بسیج دهقانان همچنان ادامه دارد. این بسان دور باطلی است: برای اینکه بتوانیم تعداد دیگری را بدون گروه جذب کنیم احتیاج هست که دائماً در نقاط پر جمعیت مشغول عملیات باشیم و برای این امر باز به تعداد افراد بیشتر نیاز هست.

۳ - افسانه پارتیزان مانند آتش در میان چوب خشک گسترش می‌یابد و اکنون ما را چون مافوق انسان (Superman) می‌انگارند.

۴ - اگر چه کوشش کرده‌ایم از طریق پائولینو (Paulino) با حزب تماس برقرار کنیم که ممکن است نتایجی در بر داشته باشد، عدم تماس با حزب همچنان ادامه دارد.

۵ - از دبره همچنان در اخبار سخن گفته می‌شود، اما بیشتر در رابطه با این مسئله که من در رهبری این جنبش قرار دارم. ما شاهد نتایج این اقدام دولت خواهیم بود و خواهیم دید که برای ما تثبیت یا منفی خواهد بود.

۶ - روحیه گروه پارتیزان همچنان محکم است و اراده برای رزمیدن در حال افزایش است. همه کوبائی‌ها در نبرد سر مشق‌اند و دویان بولیوی‌ها تنها دو سه نفر ضعیف وجود دارد.

۷ - دولت همچنان از نظر نظامی چیز قابل حساسی نیست، اما نباید به این امر که به روی دهقانان شدید کار می‌کنند کم بها دهیم، بخصوص اینکه بیشتر اهالی این اطراف را یا از طریق ارباب یا تحریف ما به خیرچینی بدل می‌کنند.

۸ - قتل عام در معادن بسیاری از مسائل را برای ما روشن می‌سازد و اگر بتوان آنرا در سطح وسیعی مطرح ساخت، در روشن ساختن مردم عاملی موثر خواهد بود.

فوری ترین وظیفه ما ایجاد تماس مجدد با لاپاز است تا بتوان ذخائر پزشکی و نظامی را از نو تأمین نمود و در حدود 500 تا صد نفر از شهرنشینان را بکار کشید حتی اگر تعداد افرادی که هر بار در نبرد شرکت می کنند، بیش از 10 تا 15 نفر نباشد.

تحلیل ماه ژوئیه

نکات منفی ماه قبل همچنان ادامه دارند. این نکات عبارتند از: عدم امکان در ایجاد تماس با خواکین، با جهان خارج و از دست دادن افراد بیست و دو نفر هستیم که سه نفرمان منجمله خود من، ناتوان شده ایم که از تحرک ما می کاهد. سه برخورد نظامی داشته ایم که طی یکی از آنها سومای پاتا Sumaipata را گرفتیم، بر ارتش خسارت وارد ساخته ایم. ارتش 7 کشته و 10 مجروح داشته است. این ارقام تقریبی اند که از گزارش های در هم گرفته شده اند. ما دو نفر از دست داده ایم و یک نفر مجروح.

مهمترین خصوصیات عبارتند از:

- ۱ - عدم تماس کامل ادامه دارد.
 - ۲ - عدم پیوستگی دهقانان به ما همچنان ادامه دارد، اگر چه برخی شواهد تشویق کننده ای در دهقانانی که می شناسیم مشاهده شده است.
 - ۳ - افسانه گروه پارتیزانی در حال تحصیل ابعاد قاره ای (امریکا) است. انگانیا Ongania مرزی آرژانتین را بسته و پرو نیز عملیات مراقبتی آغاز نموده است.
 - ۴ - کوشش برای ایجاد تماس از طریق پائولینو با شکست مواجه شد.
 - ۵ - روحیه و تجربه رزمی گروه پارتیزانی با هر نبرد افزایش می یابد. کامبا و کاپاکو همچنان ضعیف اند.
 - ۶ - ارتش همچنان با احتیاط به عمل ادامه می دهد. اما برخی از واحدهای آن جسورتر بنظر می رسند.
 - ۷ - بحران سیاسی دولت همچنان ادامه دارد، اما دولت ایالات متحده امریکا از طریق اعطای اعتبارات کوچک که در حد بولیوی بزرگ اند، موجب تضعیف نارضائی شده است.
- فوری ترین وظایف عبارتند از: تجدید تماس، فردگیری، تهیه دارو.

تحلیل ماه اوت ۱۹۶۷

از نقطه نظر نظامی این بدترین ماهی بود که تا کنون گذرانده ایم. از دست دادن غار با تمام اسناد و مدارک ضربه سنگینی بود و بیشتر از نظر روانی.

از دست دادن دو نفر دیگر و ادامه راه پیمائی که با تغذیه گوشت اسب صورت گرفت موجب تضعیف روحیه افراد شد و اولین ترک را موجب شد؛ ترک کامبا. در هر موقع دیگری این می توانست یک موقعیت محسوب شود، ولی در اوضاع و احوال کنونی، نه.

عدم تماس با دنیای خارج و با خواکین و اینکه برخی از افراد او پس از دستگیری دهان به سخن گشوده اند، نیز کمی موجب تضعیف روحیه گروه شده است. بیماری من نیز برخی دیگر را نیز به تردید انداخت و همه اینها در تنها کشمکش این ماه انعکاس یافت که طی آن یک زخمی داشتیم و این همه قضیه نبود. راه پیمائی طاقت فرسا و بدون آب در تپه ها، برخی از زوایای منفی افراد را هویدا ساخت.

مهمترین مشخصات عبارتند از:

۱- عدم تماس همچنان ادامه دارد و هیچ امید روشنی نیز دایر بر ایجاد تماس در آتیه‌ای نزدیک وجود ندارد.

۲- کار ما بدون جذب دهقانان ادامه دارد و این امر منطقی است. اگر در نظر بگیریم که این اواخر تماس مان با آنان بسیار کم بوده است.

۳- روحیه رزم جویانه ما کمی کاهش یافته که امیدوارم امری موقتی باشد.

۴- ارتش نه اثر بخشی و نه قدرت جنگی خود را افزایش داده است.

ما دورانی را می‌گذرانیم که روحیه انقلابی و افسانه انقلاب به سطح نازلی تنزل کرده اند.

فوری ترین وظیفه همچنان همان است که در ماه قبل بود: یعنی تجدید تماس فردگیری ذخیره داروئی و جنگی یک نکته را باید توجه قرار داد. اینتی وکوکو (Inti Coco) بمثابه عناصر انقلابی و کمسیار نظامی هر بار خود را قاطع‌تر از گذشته بمنصه ظهور می‌گذراند.

تحلیل ماه سپتامبر

این ماه می‌بایست ماه تجدید قوا می‌بود که ناگهان میگوئل کوکو و جولویو در کمینی به قتل رسیدند و این امر همه چیز را خراب می‌کرد و از آن زمان تا کنون در وضع خطرناکی بسر می‌بریم و البته از دست دادن لئون از دست دادن کامبا خود موفقیتی است.

ما چندین کشمکش داشتیم که طی آن یک اسب گشتیم. یک سرباز مجروح و سرباز دیگری را به قتل رساندیم. و اورباتو با یک پاسدار آتش رد و بدل کرد و سپس کمین ناگفتنی در لاهی کوئرا (LaHguerai) رخ داد.

ما قاطرها را ترک گفته ایم و فکر می‌کنیم چندی وقت باید بگذرد تا بتوانیم حیوانی از آن نوع بدست آوریم، مگر اینکه من بار دیگر دچار آسم سختی بشوم.

از طرف دیگر از اخبار رسیده چنین بر می‌آید که گزارش‌های رسیده درباره مرگ برخی از افراد آن گروه باید درست باشد و لذا باید آن گروه از هم پاشیده بحساب آوریم. اگر چه گروهی کوچکی از آنان ممکن است در حال این در و آن در زدن و پرهیز از برخورد با ارتش نباشند، زیرا خبر کشته شدن هفت نفر از آنان با هم می‌تواند دروغ باشد یا حداقل اغراق باشد.

خصوصیات این ماه همان است که در ماه قبل بود. بجز اینکه ارتش در نبرد از خود اثر بخشی بیشتری نشان می‌دهد و توده دهقانان در هیچ امری بما یاری نمی‌رساند و کم کم به خیرچین دولت بدل می‌شوند.

مهمترین وظیفه این است که از این منطقه خارج شویم و منطقه مناسب‌تری را انتخاب کنیم. و یا اینکه تمام دستگاه در لاپاز از هم پاشیده است و بما ضربات سنگینی وارد آمده است. باید کوشش کرد تماس برقرار نمود.

روحیه بقیه افراد همچنان قوی مانده و من تنها درباره فعلی هنوز تردید دارم که ممکن است از موقعیتی مناسب استفاده کند و به تنهایی فرار اختیار کنند. در این باره با او هنوز سخنی نگفته ام.

آخرین روز نبرد ۷ اکتبر ۱۹۶۷

ما یازدهمین روز خود را روزی که گروه پارتیزانی آغاز بکار کرد به پایان رسانده‌ایم. امروز روز بدون دغدغه بود و حتی تا ساعت 12/30 آرامش روستائی برقرار بود. هنگامی که زن چوپان پیری به محل اردوی ما وارد شد او را زندانی گرفتیم. او اطلاعات قابل اعتمادی درباره سربازان بما نداد؛ و در جوانب هر سؤال می‌گفت که چیزی نمی‌داند و اینکه مدت‌هاست از این اطراف نگذشته است. او تنها درباره راه‌ها بما اطلاعات داد و از اطلاعات وی چنین نتیجه می‌شود گرفت که ما اکنون از هیلونرا و خواگونی دو فرسخ و از یوکارا دو فرسخ فاصله داریم. در ساعت 17/30

اینٹی و آتی پیو و پابلیتو به خانه زن پیر رفتند. وی در آنجا یک دختر چلاق و دختری قصیری دارد. پاو. ه پسو Peso داده شد و وظیفه مند گردید که سخنی نگوید؛ اما امید زیادی نداریم که به کلامش وفادار بماند.

هفته نوری در زیر نور ضعیف ماه به راهپیمائی ادامه داده‌ایم که بسیار خسته کننده بود و از خود در درّه جای پای بسیاری باقی گذاشتیم. در این دره خانه‌ای وجود ندارد اما سیب زمینی کشت می‌شود که از طریق جویبارهای منشعب از نهر آبیاری می‌شود.

در ساعت ۲ (صبح ۸ اکتبر) برای استراحت توقف کردیم زیرا ادامه دادن بی‌فایده بود. بهنگام راه پیمائی در شب الجینو واقعاً درد سر عظیمی است.

ارتش گزارش عجیبی درباره حضور ۲۵۰ نفر در سرانو Serrano صادر کرد که قرار است از گذر افراد محاصره شده که گفته می‌شود ۳۷ نفر باشند جلوگیری بعمل آورد.

ارتش خفاگاه ما را بین رودخانه های آچرو Acero و اورو (Oro) اعلام داشته اند. این خبر ظاهراً رد گم کن است.

پایان

- (۱) ماریو مودخه Mario Monje رهبر حزب کمونیست بولیوی هوادار خط مشی شوروی.
- (۲) موئیز گوارا Moise Guevara رهبر سیاسی کارگران معادن بولیوی.
- (۳) Tania دختر جوانی آلمانی(شرقی) که در حوادث بولیوی به قتل رسید.

تایپ و تکثیر اینترنتی از وبلاگ تریبون شما

<http://www.triboonshoma.wordpress.com>

۹ دسامبر ۲۰۰۰

تنظیم دوباره از: فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران